

§ ۵ u: وُ (اوی کوتاه) که به شکل او، در اول، و وُد در وسط و آخر می‌نویسیم:

upakāra : اوپَه کازَه؛ vastu وِستو.

§ ۶ ā: مثل آ در آب، nāma: نامَه؛ bhāva: باوَه.

§ ۷ ī: یی کشیده، مثل ی در ییل (البته کمی کشیده‌تر از معمول)، bīja: بیجَه.

§ ۸ ū: اوئی کشیده، به شکل و نشان می‌دهیم: sūtra: سوتَرَه؛ rūpa: روپَه.

§ ۹ من برای این ū، سوای و، تاکنون دو پیشنهاد دیگر داده‌ام که خود در کاربرد آنها به مشکلاتی برخوردیده‌ام. یکی وو (مثل وو در طاووس، داوود)، و دیگری وُو (به قیاس وُ یا -sū برای u)، و حتی می‌توان وُو، برای کشیده شدن وُ. اما آوانوشت Suvarṇaprabhāsa Yuvarājā چگونه باید باشد؟ سوورنه بریاسه؟ یا یووراجا؟ که در این صورت -Suv- با می‌آمیزد. حتی این‌جا هم اگر روی او دومی فتحه نباشد (و: سوورنه بریاسه) سوو- می‌تواند suo خوانده شود، مثل guo، گوو، که البته برای این نمونه سوو- و گوو ترجیح دارد. پس از برخورد با این گونه نمونه‌ها به وُو برای sū فکر کردم. عیب اصلی این پیشنهاد یکی دراز شدن آوانوشت آن واژه یا نام بود، و دیگری قرار گرفتن ۷ یا ۰ یا ۵ پس از وُو، یا دو sū در یک کلمه معین بود، که این خصوصاً در واژگان ژاپنی، که u، o، ū و ۵ در آن زیاد است، فراوان به چشم می‌خورد. مثل Jūōgyō (جووُگیو)، Tōjūrō (توُجوُرو) یا Shintoku-fukū-shū: شین‌توکُو- فوکُو- شوُ، یا Yūzū-nembutsu- shū (یوُزوُنم‌بوُتسو- شوُ). همین امر سبب شد که برای آوانویسی ū راهی دیگر بیندیشم، که با یک و نوشته شود و از آمیزش آن با u، o، v خودداری شود، و از سوی دیگر، طبعاً هرگونه پیشنهادی باید در چارچوب نرم‌افزارهای موجود و رایج صورت بگیرد (مثلاً نرم‌افزار زرننگار). پس از بررسی‌های گوناگون به و برای ū رسیدیم. در خیال من - او را می‌کشند. چشم به راه پیشنهادهای آسان‌تر هستیم.

واکه‌های مرکب

§ ۱۰ ai: ای، به صورت یای ساکن ماقبل مفتوح: Jainā جینَه؛ Vaiśali: ویشالی.^۲

۱. مثلاً اگر از نرم‌افزار زرننگار استفاده می‌کنید این نشانه را با Alt f10 روی صفحه کلید دارید. منتها با توجه به این نکته که باید آن را با اندیس بالا (۰/۳۰) همان قلم متن به کار برید تا روی حرف بنشیند.

اندکی آسان‌گیری می‌توان جاینا و وایشالی هم نوشت.

§ ۱۱ au : او، ئو؛ Kautilya, Maurya و Baudāyana به ترتیب مئوریه، کئوتیلیه، بئودایتنه.

§ ۱۲ e : اکشیده، یا صدایی نزدیک به ای در واژه‌های فارسی بی، دی، ری. این e هرگاه پیش از دو واکه قرار بگیرد کمایش صدای کوتاه دارد: Veda : ویده (که غالباً به شکل رایج آن ودا نوشته می‌شود)، cetasah : چیئسه، hetu : هیتو. (هرگاه این صدا را ای بخوانیم پیش از ی حتماً کسره می‌گذاریم، مثل نمونه‌های بالا.) در سزاکبر هم ی برای این e به کار برده‌اند: Vedanta : ویدانت؛ Vaiṣeṣika : ویشیشیکه؛ Mahādeva : مهادیو.

§ ۱۳ o : به شکل و (وئو هنگامی که تنها باشد): mano : منو؛ lokottara : لوکوتزه. §

§ ۱۴ I : (کمایش ریاری کوتاه و ی یا لی کوتاه) واکه کوتاه‌اند که فقط در سنسکریت می‌توان یافت، نه در پالی. مثلاً ṛg (رگک یا ریگک) یا ṛṣi (رشی یا ریشی). در این کتاب ری یا لی می‌نویسیم.

§ ۱۵ همخوان‌ها

	۱	۲	۳	۴	۵
ک	k	kh	g	gh	ñ
کامی‌ها:	c	ch	j	jh	ñ
چ	ç	çh	ç	çh	çh
مغزی‌ها:	t	th	ḍ	ḍh	ṇ
دندانی‌ها:	t	th	d	dh	n
لی‌ها:	p	ph	b	bh	m
	پ	پ	ب	ب	م

دمیده: h : ه

§ ۱۶ ویسرگه: h^۲ : ه

§ ۱۷ انئوسوازه: ṁ : م، ن^۲

۱. در تلفظ مغزی‌ها نوک زبان کمی رو به بالا و به عقب خم می‌شود.

2. visarga

3. anusvāra

۴. این ترتیب را از ص xvii و xviii فلسفه‌های هند، از هینرش تسمیر، چاپ آمریکا، ۱۹۵۳ آورده‌ام، اما آرانوشت‌ها پیشنهادهای

§ ۱۸ برای v هم شاید ضروری باشد که نشانه‌ای روی و استفاده کنیم، که با o نیامیزد. اما من تاکنون از کاربرد نشانه روی و برای v پرهیز کرده‌ام، به دلیل زیاد شدن نشانه‌های روی حروف فارسی. اما ناگزیر از این پیشنهادم: و برای v (هرچند خود به دلیل پیش‌گفته تاکنون از آن استفاده نکرده‌ام).

§ ۱۹ h که با همخوان دیگری ترکیب می‌شود حرف مستقل ه، مثلاً حرف h دمیده در واژه hetu، یا hina و مانند اینها نیست، که به آن حرف اضافه شده باشد، مثلاً gh دو حرف نیست، بلکه یک حرف است با صدایی خاص، یعنی هم دمیده است و هم شنیده می‌شود. اگر حرف پیش از آن را ساکن بگیریم، مثلاً g در gh را، و سپس h را متناسب با حرکت بعدی بخوانیم تا حدی درست خوانده‌ایم. مثلاً sangha را می‌توان سنگ‌هه خواند و نوشت؛ همین‌گونه است upādhi، اُپادھی، Kathāvatthu: کتھاوتھو. و مانند اینها. اما اگر در اول واژه قرار بگیرد مثل dharma باید آن را دهرمه نوشت که البته خواندن ذ برای ما در متن گفتار فارسی ممکن نیست، از این رو، بی‌شک دهرمه خواهیم خواند. را این واژه را به طور غیر فنی به صورت ده‌ار ما هم نوشته‌اند. این h می‌توان نزدیک به درهای جمع دانست، که پیش از آن ساکن است: بْهَها، چْهَها، رْگْهَها و مانند اینها. به طور کلی ادای این دسته از همخوان‌ها برای ما فارسی‌زبانان، و به طور کلی ایرانیان، دشوار است. ما این گونه h سنسکریت را در اوستایی هم داشته‌ایم که در تلفظ و کتابت فارسی کنونی غالباً یا ساقط شده است، مثل bhanga که شده بَنگْ، Kangha که شده کَنگْ، paradhāta که شده پیش‌داد، thang که شده تَنگْ؛ و یا به حرف دیگری تبدیل شده است مثل gh که غالباً به غ بدل شده است و dh به ذ، kh به خ، مثلاً ereghant: ارغنده، megha: میخ، adhvenak: آذین؛ و همین‌گونه است واژه khara سنسکریت که در فارسی کنونی خَر است.

§ ۲۰ در سرّ اکبر^۱ همه‌جا این h را نوشته‌اند: samādhi: سَمادھی؛ sambhu: سمبھو؛ siddhi: سیدھی.^۲

→ من است که در بخش بعدی در این باره توضیح خواهم داد.

۱. داراشکوه، همان، در «لغات و اعلام سنسکریت».

۲. در ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، از داریوش شایگان، تهران ۱۳۴۶، نوشته شده سانکھیا (ص ۳۰۱)، bhūh: بهو؛

bhuvah: بهواه (ص ۷۹)؛ و نیز گاهی بدون ه نوشته‌اند: bodhisattva: بودی‌ساتوا (ص ۴۹).

§ ۲۱ پیشنهاد ما این است که اگر این گونه حروف را همراه با واکهٔ پس از آن کشیده‌تر تلفظ کنیم تا حدودی به اصل صدا نزدیک شده‌ایم؛ مثل دَهْرَه (بنا بر برهان قاطع بر وزن دَهْرَه) که در سنسکریت dhāra است، و این ابزاری است که در هر خانهٔ روستایی مازندرانی لااقل یکی هست که آن را دَرَه می‌خوانند با د کشیده‌تر از معمول. اگر به واژهٔ بَنگ و مَرگ نیز توجه شود آنها را اندکی کشیده‌تر از فتحه‌های دیگر می‌خوانیم. از این رو gh, kh و مانند اینها راک و گ ... نوشته‌ام. البته ما همواره رومی نوشت پالی یا سنسکریت آنها را یا در متن یا در پانویس‌ها می‌آوریم تا از هر گونه اشتباهی اجتناب شود.

§ ۲۲ ه یا های بیان فتحه، که به آن های غیر ملفوظ می‌گویند (یا چنان که دبستانی‌های کنونی می‌گویند: چسبان به آخر، یا اِتنها مثل میوه، گیوه، جیوه^۱)، برای a در آخر کلمات سنسکریت و پالی انتخاب شده است. مثلاً نیروانَه، کانه، نامه، جیوه، جاوه و مانند اینها. البته اگر مثلاً به سیاق فارسی امروزی مردم تهران و شهرهای مازندران بخوانیم را باید نامه، کابه، نیروانه خواند. در سَرّاکبر این a گاهی به صورت های بیان فتحه نوشته‌اند مانند: jāla: جالَه (ص ۱۹۹) و loka: لُوکه (ص ۱۹۹)، hiranyagarbha: هِرَن‌گَرَبَه (ص ۱۹۹)، و گاهی هم نوشته‌اند: karma: کَرَم.

§ ۲۳ ه. تسیمر دربارهٔ همخوان کامی ñ می‌نویسد مثل ñ است در واژهٔ اسپانیایی señor (سِن‌یور). (و یا در واژهٔ اسپانیایی mañana (مان‌یانا) و یا ny در canyon).^۲ یک استثنا وجود دارد و آن واژهٔ jā g است که مانند صداهای هندوی جدید خوانده می‌شود مثل gya با g شدید (همان). در سَرّاکبر همه جا jā g یا خوانده شده است، و نیز تمام ترکیبات آن، مانند jā g: گیان، vijñāna: وِجیان. اما ما برای یکدستی کار همه جا ñ را نهی نوشته‌ایم و نیز jā g را جِنیا. مثل prajñā, vijñāna, prajñāpāramitā, pañha، به ترتیب وِجِنیانه، پَرَجِنیا، پَرَجِنیا پارمیتا، پَنیه. اما، ñ را در برخی کتاب‌ها in خوانده‌اند مثل inch و singe^۳ اما ما در فارسی در غالب موارد ناگزیریم که ñ را مثل n بخوانیم، مثلاً در Sāñchi (سانچی) و Sañjaya (سَن‌جیه)، و یا دو ñ را فقط یک n بخوانیم: viññāna (وِجِنیانه | وِگِیانه).^۴

۱. نگفته نماند که جیوه jīva (سیماب) خود یک واژهٔ سنسکریت است به معنی زنده.

2. Rune E A Johansson, *Pali Buddhist Texts*, London, 1977, p. 13.

۳. استاتلی، همان، ص xv

۴. در ادیان و مکتب‌های فلسفی هند (داریوش شایگان) این ñ را گاهی ن و گاهی ن‌ه‌ی نوشته‌اند: prajñāpāramitā

- § ۲۴ e, i, ī, ai را در فارسی نوشت به شکل -ی، ی، ی، یا ی نوشته‌ایم.
- § ۲۵ y مثل ی در یک، یال، و مانند اینها.
- § ۲۶ در هنگام تلفظ همخوان‌های مغزی نوک زبان کمی به بالا خم می‌شود که این هم در فارسی نیست، و ناگزیر آنها را به شکل همخوان‌های دندانی تلفظ می‌کنیم.
- § ۲۷ وِسْرگَه، h، صدای ه است در آخر حرف.
- § ۲۸ اَنُوسَوَزه، m̄، خیشومی است که با دهن باز ادا می‌شود.^۱ غالباً م، saṃskṛita : سَمْسْکْرِتَه، هم saṃsvara : سَمَوَزه. اما گاهی در وسط، ن، مثل saṃsāra سَمَسَاَرَه. البته همین واژه را در کتاب‌های فنی به شکل که به saṃsāra نوشته‌اند.^۲ در سغدی هم آن را تاحدی sn̄sʳ (سنسار) و گاهی هم snksʳ خوانده‌اند.^۳ همچنین است sāmkhya شکل سَم، سُنْب، sāṅkhya هم نوشته‌اند.^۴ این m̄ یا ṅ نزدیک‌اند به م و ن در واژگان خم، خنب، شنبه، پنبه، رنگ، سنگ، و مانند اینها.

□

بسط بحث

- § ۲۹ «الفبای سانسکریت شامل ۴۸ حرف است که ۱۳ حرف آن صدادار و ۳۳ حرفش بی صدا می‌باشد و ۲ حرف کوچک نیز وجود دارد که جمعا ۴۸ حرف می‌شود....
۱. سه حرف صدادار و ساده وجود دارد که هر یک از آنها هم کوتاه است و هم کشیده است. سپس دو حرف مرکب از نیم I باربع a پیش و ربع a بعد از هر دو آنهاست (aḷa, əra). حرف اول کوتاه و کشیده است و در این حرف مرکب کشیده ربع a بعد از نیم I کشیده می‌شود گرچه که ممکن است مرکب دوم کشیده نشود.
۲. این چهار حرف به دو دسته است - دو حرف مرکب a با i و دو حرف مرکب a با u است - چون نیز a و i با هم مخلوط گردد e می‌شود و چون پهلوی هم قرار بگیرند ai

→ پراجناپارامی تا (ص ۴۸) و پراجنیاپارامی تا (ص ۱۸۲) pañcarātra (پانچاراترا، ص ۳۱۴) اما ṅ را غالباً همان ن+ی نوشته‌اند: aḷa, əra, (به ترتیب: اجنیا، یاجنیا و لکیا) (صص ۱۰۴، ۱۵۷).

۱. ه. تسمیر، همان.

۲. مثلاً ذیل همین واژه در index

E. J. Thomas, *The History of Buddhist Thought*, London, 1967.

J.G Jennings, *The Vedantic Buddhism of The Buddha*, London, 1947.

۴. ذیل همین واژه در استائلی، همان.

۳. BSTBL، ص ۱۳۱.

می شود. o, au چنین ساخته می گردد.

۳. دو حرف کوچک عبارتند از M و H .

□

پیشنهاد دیگر

§ ۳۰ واکه‌ها:

گلوئی: $\bar{A} A$ (آ، ا)

کامی: $\bar{I} I$ (ای، ای)

لیبی: $\bar{U} U$ (او، او)

مغزی: $\bar{r} r$ (ری، ری)

دندانی Ir (لری)^۲

§ ۳۱ واکه‌های مرکب: E, AI, O, AU, M, H

کامی: AI (ای)، E (ای)

لیبی: OU (او) O (او)

ah (آح) (با فشار تلفظ می شود)

am (آم) (غنه)^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دکتر سی. کنهن راجه، پویشن-سنسکریت گرامر، چاپ هند، (۱۹۵۳) ص ۵.

۲. پروفیسور ایندوشیکهر، راهنمای سنسکریت، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۰. پیشنهاد آوانوشت‌های فارسی هم در این

بخش از همین کتاب است. ۳. کنهن راجه، همان، صص ۴۳. ۴. ایندوشیکهر، همان، ص ۳۱.